

ترجمه جدید شاهنامه فردوسی به زبان گرجی

تئا شورغایا*

۱۹۴۰)، بنیانگذار دانشگاه دولتی تفلیس (قدیمی ترین دانشگاه در منطقه قفقاز)، و یوری مار^۲ (۱۸۹۳-۱۹۳۵) مسیر مطالعات ایران شناسی استاد خود را پی گرفتند و شاهنامه شناسی در کارهای یوستینه آبولادزه^۵ (۱۸۷۴-۱۹۶۲) و شاگردان وی الکساندر بارامیدزه^۶ (۱۹۰۲-۱۹۹۴) و داویت کوبیدزه^۷ (۱۹۰۶-۱۹۸۱) ژرفای بیشتری پیدا کرد.

شاهنامه شناسی در گرجستان بحثی است مفصل که پرداختن بدان مجالی فراخ تر می خواهد. در اینجا، صرفاً به ضرورت موضوع این مقاله، یادآور می شوم که طی قرن بیستم، سه مجلد از روایات کهن گرجی شاهنامه انتشار یافت^۸ و مطالعات شاهنامه شناسی در کشورمان کماکان ادامه دارد.^۹ جای تأسف است که در اغلب موارد زحمات شاهنامه شناسان گرجی نادیده گرفته می شود^{۱۰} و حتی پژوهشگران ایرانی نیز چندان اطلاعی از این کارها ندارند. شاید تنها استثناء این قاعده «از پانزده دریچه (نگاهی به فردوسی و شاهنامه او)» تألیف ماگالی تودوا^{۱۱} باشد که در سال ۱۳۷۷ زیر نظر دکتر محمد کاظم یوسف پور توسط انتشارات دانشگاه گیلان به چاپ رسید.^{۱۲}

خوانندگان گزارش میراث با تاریخچه ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان گرجی و نسخ خطی آن آشنا شده اند و مطلع هستند که «ترجمه های متعدد داستان های شاهنامه به زبان گرجی... در قرون پانزده الی هجدهم میلادی به نظم و نثر برگردانیده شده اند، ولی احتمال می رود که گرجیان پیش از این هم با بعضی از داستان های این اثر از طریق روایات شفاهی یا به توسط «خدای نامک» پهلوی آشنا شده باشند»^۱.

وجود روایات گرجی شاهنامه باعث شده شاهنامه شناسی در گرجستان به یکی از مهم ترین شاخه های ایران شناسی و گرجی شناسی بدل شود. اشتراکات ادبیات فارسی و گرجی زمین حاصلخیزی برای مطالعات ایران شناسی فراهم آورده بود. بدین سان، تلاش برای بررسی و انتشار روایات گرجی شاهنامه از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد اما نتایج قابل ملاحظه و چشمگیر این تلاش تقریباً در اوایل قرن بیستم به بار نشست. نیکولای مار^۲ (۱۸۶۴-۱۹۳۴)، بنیانگذار ایران شناسی در گرجستان، اولین تحقیقات علمی خود را به شاهنامه فردوسی و آثار کلاسیک ادبیات فارسی اختصاص داد. شاگردان وی، کسانی چون ایوانه جاواخیشویلی^۳ (۱۸۷۶-

*. استاد دانشگاه دولتی تفلیس، گرجستان / teashurgaia@yahoo.com

۱. لیلی ژرژلیانی، «نسخ خطی و چاپهای کهن گرجی شاهنامه»، گزارش میراث، شماره ۳۹ (خرداد و تیر ۱۳۸۹)، ص ۲۸.

2. Nikolai Marr

3. Ivane Javakhishvili

4. Yuri Marr

5. Justine Abuladze

6. Alexandre Baramidze

7. Davit Kobidze

۸. روایات گرجی شاهنامه، جلد اول، تصحیح متن، پیشگفتار و لغاتنامه از: یوستینه آبولادزه، تفلیس: انجمن تاریخ و مردم شناسی گرجستان، ۱۹۱۶؛ ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، جلد دوم، ویرایش، تفسیرات و لغاتنامه از: ی. آبولادزه، ا. بارامیدزه، پ. اینگوروقوا (P. Ingoroqva)، ک. که کیدزه (K. Kekelidze)، ا. شانیدزه (A. Shanidze)، تصویرگری از ی. گاباشویلی (I. Gabashvili)، تفلیس: ۱۹۳۴؛ روایات گرجی شاهنامه، تصحیح متن، پیشگفتار و لغاتنامه از د. کوبیدزه، جلد سوم، تفلیس: ۱۹۷۴.

۹. برای نمونه در اینجا به برخی کارهای سه چهار سال اخیر اشاره می شود: ل. ژرژلیانی (L. Zhorzholiani)، درباره مقوله زمان بدیع در شاهنامه فردوسی، تفلیس: انتشارات دانشگاه دولتی تفلیس، ۲۰۰۸؛ از همان مؤلف: پژوهش هایی در مورد اسامی خاص روایات گرجی شاهنامه، تفلیس: انتشارات اونیورسالی، ۲۰۱۱. ۱۰. متخصصان بارها اشاره کرده اند که داده های نسخ ترجمه های گرجی و نظرات شاهنامه شناسان گرجی برای تصحیح متن شاهنامه چاپ مسکو در نظر گرفته نشده است.

11. Magali Todua

۱۲. این کتاب ترجمه ای فارسی از تک نگاری «فردوسی و شاهنامه او» به قلم ماگالی تودوا است که در سال ۱۹۹۵ به عنوان کتاب کمک درسی برای آموزش تاریخ ادبیات فارسی در شهر کوتایسی انتشار یافت.



دوره دوم، سال پنجم، شماره چهل و نهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰

موضوع مقاله حاضر ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان گرجی است که با حمایت رایزنی جمهوری اسلامی ایران در تفلیس منتشر و در سال ۱۳۹۰ برنده جایزه جهانی کتاب سال شده است. قبل از معرفی این کتاب اشاره‌ای کوتاه به پیشینه ترجمه‌های حماسه فردوسی به زبان گرجی که در قرن بیستم انجام یافته بایسته به نظر می‌رسد.

از نظر تنوع موضوعی و سبکی، قرن بیستم، در تاریخ ترجمه ادبیات فارسی به زبان گرجی جایگاه خاصی دارد. در این دوره، مترجمین گرجی ضمن ادامه برگرداندن آثار حماسی فارسی، به ترجمه اشعار غنایی و ادبیات معاصر ایران نیز روی آوردند.

آمباکو چلدیزه^{۱۳} (۱۸۷۸-۱۹۴۰) که به لطف سکونت و اشتغال چندساله خود در ایران موفق شده بود زبان فارسی را به طور عملی بیاموزد، ترجمه و معرفی آثار شاعران پارسی‌گو به جامعه فرهنگ دوست گرجستان را آغاز کرد. وی در مجموعه شعر غنایی فارسی که در سال ۱۹۳۳ منتشر گردید ترجمه بیتی چند از اثر فردوسی به زبان گرجی را درج نموده، در مقدمه آن اشاره می‌کند:

من اینجا پاره‌ای ناچیز از فردوسی می‌آورم. حماسه وی محل و جایگاه دیگری را می‌طلبد. اما چشم‌پوشی از وی در میدان ادبیات فارسی در حکم آن می‌بود که مسافری به گرجستان سفر کند و از وجود کوه «قازبگی»^{۱۴} متوجه نشود.^{۱۵}

یک سال بعد و به مناسبت هزاره فردوسی، جلد دوم روایات گرجی شاهنامه انتشار یافت. البته این رویداد به نوعی مانع ذهنی برای مترجمین گرجی بدل گشت زیرا پس از آن چند دهه‌ای گذشت تا ترجمه‌های جدید از شاهنامه به زبان گرجی پدید آمد. در این راستا باید به جلد اول مجموعه آثار ادبیات شرق تحت عنوان ارماغانی^{۱۶} اشاره کرد که در قسمت مربوط به ادبیات فارسی دو ترجمه از آثار فردوسی معرفی شده بود: یکی ترجمه ماگالی تودوا از «هجونامه سلطان محمود» و دیگری «ضاکیان» (روایت منثور کهن گرجی از داستان ضحاک به

قلم مترجمی ناشناس). به عبارت دیگر ترجمه معاصر در کنار ترجمه (روایت) کهن از شعر فردوسی قرار گرفته بود.

پروفسور ماگالی تودوا که از مترجمین و محققین پرآوازه ادبیات فارسی در گرجستان به شمار می‌رود تا به حال بخش‌هایی از شاهنامه را به گرجی برگردانیده است. وی طی بیش از شصت سال فعالیت به عنوان مترجم شعر فارسی، ترجمه‌های خود از بخش‌های مختلف شاهنامه (آغاز کتاب، کیومرث، هوشنگ، طهمورث و ...) را در کتاب‌ها و مجموعه‌های مختلف به چاپ رسانده است. ترتیب و محتوای این ترجمه‌ها نشان می‌دهد که وی تصمیم داشته کل شاهنامه را به گرجی برگرداند اما متأسفانه توفیق اتمام این کار را نیافته است. ناگفته نماند که پروفسور تودوا تلخیصی از متن شاهنامه را به نثر گرجی برگردانده و در سال ۱۹۹۲ منتشر کرده است.^{۱۷}

یکی دیگر از مترجمین شهیر گرجی که در ترجمه شاهنامه به زبان گرجی سهیم بوده، مرحوم واخوستی کوته‌تیشویلی^{۱۸} (۱۹۳۵-۲۰۰۸) است. وی فقط چند بیتی («آغاز کتاب») از شاهنامه فردوسی را به گرجی برگردانیده که برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ در مجلدی از سلسله کتاب‌های «کتابخانه ادبیات جهان» که به شعر ایران اختصاص داده شده بود منتشر گردید. پاره‌هایی دیگر از شاهنامه نیز در همین مجلد به چاپ رسید: داستان ضحاک با کاوه آهنگر، مزدک، داستان سهراب (به قلم ماگالی تودوا) و داستان بیژن و منیژه که توسط خانم بلا شالواشویلی^{۱۹} ترجمه گردید.

خانم بلا شالواشویلی شاعر و مترجم گرجی شاهنامه نزدیک به چهار دهه از عمر خود را صرف ترجمه حماسه فردوسی نموده است. یک سال قبل از انتشار داستان بیژن و منیژه، ترجمه دیگر وی از شاهنامه (پادشاهی منوچهر) به صورت کتابی مستقل (۱۹۷۶) به چاپ رسید. بلا شالواشویلی ترجمه سه داستان دیگر از شاهنامه، من جمله «سیاوش» (۱۹۷۹)، «کی کاووس» (۱۹۸۷) و «خسرو پرویز» (۲۰۰۹) را نیز منتشر کرده است.

13. Ambako Chelidze

۱۴. قازبگی: قلعه‌ای بلند در شمال شرق گرجستان.

۱۵. آمباکو چلدیزه، شعر غنایی فارسی، تفلیس: انتشارات فدراسیون، ۱۹۳۳، ص ۶۳.

۱۶. ارماغانی: نمونه‌هایی از ادبیات شرق، تدوین ماگالی تودوا، تفلیس: انتشارات سایچوتا ساکارتولو، ۱۹۶۵.

۱۷. فردوسی، شاهنامه، بازگویی شده توسط ماگالی تودوا، تفلیس: انتشارات متس‌نیربا (Metsniereba)، ۱۹۹۲.

18. Vakhusti Kotetishvili

19. Bela Shalvashvili



سال گذشته، حاصل زحمات چهل ساله خانم بلا شالواشویلی شامل ترجمه‌های سابق و جدید وی از بخش‌های شاهنامه به صورت یک کتاب ۹۸۴ صفحه‌ای با حمایت رایزنی جمهوری اسلامی ایران در گرجستان توسط انتشارات «نکری» در تفلیس چاپ شد. ویراستار کتاب دکتر لیلی ژرژلیانی در پیشگفتار خود که به زبان فارسی نوشته شده است توضیح می‌دهد:

...بلا شالواشویلی به بخش تاریخی «شاهنامه» نیز توجه درخور ابراز نموده و برای ترجمه بنا به شباهت بیشتر با اشعار فردوسی قالب شعر دوسطری چهارده‌هجایی گرجی را انتخاب نموده، در حالی که مترجمین قدیمی «شاهنامه» شعر چهارپاره‌شانزده‌هجایی گرجی (شایری) را بکار می‌بردند.^{۲۰}

ویراستار یادآور می‌شود که این ترجمه از متن انتقادی شاهنامه چاپ مسکو انجام گردیده و لذا بر خلاف متن انتقادی چاپ تهران، فصول داستان‌ها عنوان ندارد.

کتاب مورد بحث حاوی پیشگفتار مترجم به زبان گرجی، ترجمه «آغاز کتاب» و ۱۲ داستان از شاهنامه فردوسی است که عبارتند از: پادشاهی کیومرث، هوشنگ، طهمورث، جمشید، ضحاک، فریدون، منوچهر، کیکاووس، داستان سیاوش، بیژن و منیژه، پادشاهی کسری نوشیروان و پادشاهی خسرو پرویز. زینت‌بخش جلد کتاب یکی از مینیاتورهای یوسب گاباشویلی است. گفتنی است که یکی از امتیازات جلد دوم روایات گرجی شاهنامه که در سال ۱۹۳۴ انتشار یافت مینیاتورهای یوسب گاباشویلی بوده که برخی از این مینیاتورها برای ترجمه بلا شالواشویلی نیز به کار رفته است.

ترجمه شالواشویلی، از نظر روش، با سایر ترجمه‌های شاهنامه، چه کهن و چه جدید، تفاوت دارد. خانم شالواشویلی کوشش کرده تا از ترجمه کهن گرجی شاهنامه فاصله بگیرد. وی همچنین سعی نموده است ترجمه‌ای ارائه بدهد که از کارهای سایر مترجمین هم‌عصر خود متفاوت باشد. ترجمه شالواشویلی بسیار روان و بیانگر هنر والای شاعری اوست. استفاده از واژگان کهن گرجی، در عین حال که رنگ‌وبوی متون عصر فردوسی را به متن ترجمه بخشیده، آن را سنگین

و پیچیده نکرده و در یک کلام مترجم موفق شده است در «کهن‌گرایی» اندازه نگه دارد. ترجمه شالواشویلی، از نظر موسیقی، وزن و قافیه نیز بکمال است.

مترجم همچنین توضیحات و تفاسیر لازم را به حد کفایت در پای صفحات کتاب آورده و از این طریق اطلاعات مورد نیاز را در اختیار خواننده گرجی قرار داده است.

بلا شالواشویلی در پیشگفتار کتاب ضمن توضیح در باب چگونگی پرداختن به ترجمه شاهنامه تصریح می‌کند که کمی بیش از یک‌سوم متن را ترجمه کرده و اگر عمری باشد ترجمه شاهنامه را به پایان خواهد رساند. او کتاب را به اساتید زنده‌یاد، پروفسور داویت کوبیدزه و پروفسور واخوشتی کوته‌تیشویلی که مشوق و پشتیبان وی در برگرداندن حماسه فردوسی بوده‌اند تقدیم می‌کند.

از سخنان بلا شالواشویلی چنین برمی‌آید که ترجمه شاهنامه ابتکار خودش نبوده و استادش، پروفسور واخوشتی کوته‌تیشویلی، او را امر به این کار کرده است. اساتید شالواشویلی در دانشگاه دولتی تفلیس که با اشعار وی آشنا بودند، او را ترغیب می‌کنند تا ترجمه شاهنامه را شروع کند. مترجم بعد از آن که ترجمه اولش مورد قبول استادان واقع می‌شود، اعتماد به نفس پیدا کرده، کار خود را با علاقه ادامه می‌دهد و این روند چهل سال به طول می‌انجامد. خانم شالواشویلی تا به حال جز ابیات فردوسی هیچ اثر دیگری از ادبیات فارسی ترجمه نکرده و به حماسه فردوسی وفادار مانده است! تنها استثناء یک رباعی از شهید بلخی است که در نشریه ادبی «Chveni Mtserloba» («ادبیات ما») آن هم در قالب مصاحبه با مترجم به چاپ رسید.

دولت جمهوری اسلامی ایران با اعطای جایزه جهانی کتاب سال ۱۳۹۰ به ترجمه گرجی شاهنامه فردوسی، زحمات چهل ساله خانم بلا شالواشویلی را ارج نهاد. جای بس خوشحالی است که رسم چندین‌قرنی ترجمه شاهنامه به زبان گرجی در قرن بیست‌ویکم نیز از رواج نیفتاده است.

۲۰. شاهنامه فردوسی، مجموعه ترجمه‌های گرجی از داستان‌های منتخب شاهنامه، مترجم: بلا شالواشویلی، زیر نظر دکتر لیلی ژرژلیانی، تفلیس: ۲۰۱۱، ص ۹۸۰.

